



مجله حقوق

دوفصلنامه

دوره ۴، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

بررسی راهکارهای حقوقی استخراج و معامله ارزهای دیجیتال و رمز پایه (مجازی):

خلأهای حقوقی و راهکارهای پیشنهادی: شیما نادری، مجید مطلبی

واکاوی مبانی فقهی فور و تراخی در اخذ به شفعه: مرتضی رحیمی

دستاوردها و چالش های تعدد و تکرار جرم در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

مصوب ۱۳۹۹ با رویکرد کاربردی: ابوالفتح خالقی، زهرا میرزائی

آثار قرارداد انتقال تکنولوژی در حقوق ایران: افشین مجاهد

تبیین اصل اطلاع رسانی در پرتو آیین رضایت قبلی کنوانسیون روتردام ۲۰۰۳

:محمد مبینی فر، مرضیه فتحی برناچی

جایگاه کمیسیون های حل اختلاف در دعاوی فی مابین سپاه پاسداران انقلاب و شهرداری تهران

:محمدرضا یزدی، مجتبی سالک رازی

آثار و شرایط اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه: سید جعفر هاشمی باجگانی، محمدرضا بوربور

آثار فسخ نکاح در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان: میثم سبحانی

تحلیل ساختار حقوق کودک در ایران: بررسی مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک بر مبنای

پیمان نامه جهانی حقوق کودک: مریم شعبان

رابطه توهین و آزادی بیان در پرتو قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات: امیرحسین قضائی علمداری

اصول و قواعد حاکم بر اخلاق حرفه ای در شغل وکالت: رستم علی اکبری، یاسر شاکری

تکثرگرایی دینی در قانون مجازات اسلامی: محسن حمیدی پور

آثار و شرایط دادرسی غیابی در حقوق ایران و فرانسه: سید جعفر هاشمی باجگانی، مصطفی افضلی گروه

مسئولیت کیفری دولت ها در قبال جرایم محیط زیستی در پرتو همکاری های منطقه ای و بین المللی: سجاد طیبی

تحلیل عملکرد دیوان بین المللی دادگستری در پرونده نقض عهدنامه مودت ۱۹۵۵ میان جمهوری اسلامی ایران

و ایالات متحده آمریکا: محمد ستایش پور، عیسی پودات

چالش های فلسفی، مفهومی تروریسم در مواجهه با حقوق بشر: نوروز کارگری

تحلیل اقتصادی آثار جاتی ناشی از استفاده اموال با مطالعه حقوق ایران: یداله دادگر، اکرم احسانی

کارکردها و چالش های میانجیگری در ایران (با نگاهی به برخی از کشورهای اروپایی و اسناد بین المللی)

:سید عباس موسوی

حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران و اسلام: علی اکبری، مهدی فلاحیان

حقوق زندانیان از منظر فقه امامیه و حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین المللی: غلامرضا ایزدپناه، وجیهه ایزدپناه

تحلیل ترور دانشمندان هسته ای ایران از منظر حقوق داخلی و بین الملل: محمدخلیل صالحی، محمد سلمانی فرهمند

آثار قرارداد بیعه عمر از منظر فقه امامیه و حقوق ایران: سید سجاد خالونی تفتی

حمایت از قضات ادارات در عصر سیاسی سازی: ارزیابی استقلال قضائی و ثبات رأی در دادرسی اداری: رضا طجرلو،

محمدجواد شفق، فاطمه مافی

حقوق بزه دیدگان و بزه کاران در قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه: نقدها و چالش ها: صادق فتیلی، ابراهیم مقدم

بررسی و تحلیل تعهد به رعایت احتیاط در حقوق کامن لا: رضا حسین گندمکار، فرزاد کریمی کلمتی

مطالعه تطبیقی ارزیابی هزینه جرم در حقوق کیفری و فقه شیعه: اسماعیل کشکولیان، مهدی نقوی

در آمدی بر نظریه شخصیت حقوقی در فقه امامیه: سید علیرضا امین

بررسی ارکان مسئولیت مدنی شهرداری ها در رویه قضائی: سید وحید میرنظامی، فائزه بهادر

جبران خسارت محکومان بی گناه در حقوق ایران و آمریکا: احمدرضا کنارکوهی، سلامه ابوالحسنی

اهمیت ایجاب در قانون مدنی ایران و اصول قراردادهای تجاری بین المللی: مرتضی جوان سرند



Compensation for Innocent Convicts in the Law of Iran and America

جبران خسارت محکومان بی گناه در حقوق ایران و آمریکا

Ahmadreza Kenarkoohi

Master of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Ahvaz Branch, Ahvaz, Iran (Corresponding Author)

احمدرضا کنارکوهی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

Ahmadreza.kenarkoohi@gmail.com
http://orcid.org/0000-0001-8288-0387

Salameh Abolhasani

Assistant Professor, Department of Criminal Law, Islamic Azad University, Ahvaz Branch, Faculty of Humanities, Ahvaz, Iran

سلامه ابوالحسنی

استادیار گروه حقوق کیفری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، دانشکده علوم انسانی، اهواز، ایران

salameh_abolhasani@yahoo.com

Abstract

Despite the rules of trial, there is always the possibility of a wrongful conviction. Given the seriousness of the judicial miscarriage, it is necessary to compensated the innocent after the innocence is revealed. Article 171 of the Constitution of Islamic Republic of Iran mentions compensation for the error of the judge. However, the competent court was not determined until the act on the supervision of the conduct of judges was approved. At the moment, innocent people must first show the judge's mistake in the judge's disciplinary court and then file a lawsuit in the general legal court of Tehran and this process is not suitable for the need for quick compensation. There are three mechanisms in American law: private bill, civil litigation and compensation statutes to compensate for the innocent that most effective mechanism is the compensation statutes. The present article has written by descriptive-analytical method and in order to achieve a specialized compensation system for the innocent, it is recommended that Article 261 of the Criminal Procedure act be extended to compensate for the innocent convicts and the government will take on the primary duty of compensation.

Keywords: Presumption of Innocence, Miscarriage of Justice, Actual Innocence, Wrongful Conviction, Compensation.

چکیده

به رغم قواعد دادرسی، همیشه احتمال محکومیت نادرست وجود دارد. با توجه به شدت خطای قضائی لازم است پس از آشکار شدن بی گناهی نسبت به جبران خسارت بی گناهان اقدام شود. اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به جبران خسارت ناشی از اشتباهات قضائی اشاره دارد با این حال تا تصویب قانون نظارت بر رفتار قضات مرجع صالح جهت اقامه دعوی نیز مشخص نبود. در حال حاضر بی گناه باید ابتدا در دادگاه عالی انتظامی قضات تقصیر یا اشتباه قضائی را اثبات و سپس در دادگاه عمومی حقوقی تهران اقامه دعوی نماید و این فرآیند با لزوم جبران سریع خسارت متناسب نمی باشد. در حقوق آمریکا سه نوع سازوکار لایحه خصوصی، دادخواهی مدنی و قوانین جبران خسارت برای بی گناهان پیش بینی شده است که موثرترین سازوکار قوانین جبران خسارت هستند. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است و به منظور دستیابی به نظام تخصصی جبران خسارت بی گناهان پیشنهاد می شود موادی در ادامه ماده ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری به جبران خسارت محکومان بی گناه اختصاص یابد و دولت وظیفه ابتدائی جبران را برعهده گیرد.

واژگان کلیدی: اصل برائت، خطای قضائی، بی گناهی واقعی، محکومیت نادرست، جبران خسارت.

Received:2021/09/06 -Review:2022/01/18 -Accepted:2022/02/18

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸

ارجاع:

کنار کوهی، احمدرضا؛ ابوالحسنی، سلامه؛ (۱۴۰۰)، جبران خسارت محکومان بی گناه در حقوق ایران و آمریکا، تمدن حقوقی، شماره ۹.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

هرچند نظام عدالت کیفری تابع قواعد دادرسی می باشد ولی انجام این وظیفه ممکن است همراه با خطا باشد و اشخاصی با وجود بی گناهی محکوم و مجازات شوند که از معروف ترین اشتباهات تاریخی منجر به مجازات بی گناهان می توان به زندان کردن حضرت یوسف (ع) توسط عزیز مصر (غلاملو و فرجیها، ۱۳۹۳، ۶۴)، محاکمه و اعدام سقراط (Zalman, 2016, 449) در سال ۳۹۹ قبل از میلاد، محاکمه جادوگران سلیم^۱ در سال ۱۶۹۲ میلادی که «مشهورترین محاکمات در دوران استعمار آمریکا» (روت، ۱۳۹۴، ۱۶۲) یاد شده و به دار آویختن «ابوعلی حسن بن محمد میکال مشهور به حسنک» (روان پور، ۱۳۹۴، ۱۳۰) اشاره کرد.

«ویلیام بلک استون»^۲ در قرن هجدهم در کتاب «شرح هایی درباره قوانین انگلستان»^۳ می گوید: بهتر است ده مجرم فرار کنند تا یک بی گناه مجازات شود.^۴ که در حال حاضر این جمله به نسبت ده یک به عنوان نسبت بلک استون شناخته شده است (Volokh, 1997, 174) و در نوشته های نویسندگان مختلف با اعدادی متفاوت از قبیل چهار به یک، پنج به یک، نه به یک و صد به یک تا ذکر (بهرتر است هزار انسان مجرم رها شود تا یک انسان بی گناه زندانی گردد) (Volokh, 1997, 176) مطرح گردیده که به نظر می رسد اعداد مختلف بیانگر تقییح محکومیت بی گناهان می باشند و گرنه هیچ عددی با توجه به مخالف بودن محکومیت بی گناهان با اهداف عدالت کیفری نمی تواند درستی محکومیت حتی یک نفر بی گناه را در مقابل آزادی یا فرار هزاران مجرم توجیه نماید و به عبارتی نسبت ده یک بلک

1- Salem Witches.

2-William Blackstone.

3- Commentaries on the Laws of England.

4-Better that ten guilty persons escape, than that one innocent suffer.

استون «عمیق ترین نگرانی که حقوقدانان متفکر را آزار می دهد منعکس می کند ولی به رغم نگرانی های قدیمی، محکومیت نادرست فقط اخیرا به یک مسئله اجتماعی چنان که در جامعه شناسی شناخته می شود یا یک مسئله عمومی چنان که در مطالعات سیاست بحث می شود تبدیل شده است» (Zalman 2016, 450)، به طوری که امروز در کشوری مانند آمریکا سخن از جنبش بی گناهی^۵ می باشد که ناشی از افزایش تیرئه بی گناهان براساس مدرک DNA می باشد و به معنای «مجموعه فعالیت های مرتبط توسط حقوقدانان، روان شناسان شناختی و اجتماعی، دیگر متخصصان اجتماعی، پژوهشگران حقوقی، کارمندان دولت، روزنامه نگاران، مستندسازان، نویسندگان مستقل و فعالان شهروند که از میانه دهه ۱۹۹۰ برای آزادی زندانیان بی گناه و اصلاح علل درک شده خطاهای قضائی کار می کنند» (Zalman 2016, 450) تعریف شده و به عنوان «جنبش حقوق مدنی قرن بیست و یکم»^۶ (Leo and Gould, 2009, 9) و «انقلاب بی گناهی» (Findley, 2011, 1157) یاد شده است و دوم اکتبر نیز به عنوان روز بین المللی محکومیت نادرست^۷ اعلام شده است.

حتی تا دهه های گذشته، اگر شخصی بی گناه بود ولی محکوم می شد و متعاقبا بی گناهی وی ثابت می گردید شاید صرف خروج از فرآیند کیفری برای او بزرگ ترین خشنودی را در پی داشت اما بشر امروز انتظار دارد در صورتی که نظام عدالت کیفری از خطای خود آگاه شد در صدد جبران خسارت برآید اما با وجود آن که گفته شده «نظریه جبران خسارت محکومان نادرست اصلا جدید نیست و در قرن گذشته در آمریکا توسط «ادوین بورچارد»^۸ بنیان نهاده شده» (Gutman, 2017, 370) ولی نارسائی های جدی در جبران خسارت متناسب با ضرر تحمیلی به بی گناه و در برخی از کشورها حتی در پذیرش اصل جبران وجود دارد.

با توجه به این که در عصر حاضر «حق بر جبران خسارت یکی از اصول کلی حقوق به شمار می رود به مقتضای این اصل هر کسی به سبب عمل دیگری متحمل خسارت شود حق دارد جبران آن را مطالبه کند.» (فضائلی، ۱۳۹۴، ۴۰۴) ولی به رغم اصل حق جبران و اصل یکصدوهفتادویکم^۹ قانون اساسی

5- Innocence Movement.

6- The civil rights movement of the twenty – first century.

7- International Wrongful Conviction Day.

8-Edwin Borchard.

۹- اصل یکصدوهفتادویکم: هر گاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد.

جمهوری اسلامی ایران که به جبران خسارت ناشی از اشتباهات قضائی اشاره می کند و تعهدات بین المللی ایران از جمله بند ۶ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۱۰} که به جبران خسارت ناشی از محکومیت نادرست اشاره می کند می توان گفت تا پیش از تصویب قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ (ماده ۳۰)^{۱۱} و تبصره ماده ۳۴۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ عملاً نظام حقوقی ایران فاقد هر نوع سازوکار برای جبران خسارت ناشی از محکومیت نادرست بود و این در صورتی است که در حال حاضر در بیشتر کشورها توجه به جبران خسارت بی گناهان رو به افزونی است، یکی از این کشورها حقوق آمریکا می باشد که مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

توجه به موضوع جبران خسارت بی گناهان در ایالات متحده آمریکا را می توان ناشی از پیشرفت علم ژنتیک و DNA که باعث شناسائی مجرم واقعی خصوصاً در پرونده های قتل و تجاوز جنسی و در نتیجه رهائی شخص ناکرده بزه که به نادرستی محکوم و زندانی شده دانست. توضیح این که در چهاردهم آگوست ۱۹۸۹، دادگاه محکومیت تجاوز به عنف سال ۱۹۷۹ آقای «گری داتسون»^{۱۲} را لغو و اتهاماتش را رد کرد. آقای داتسون اولین زندانی تبرئه شده و آزاد شده در آمریکا نبود اما با این حال پرونده او یک پیشرفت محسوب می شد. داتسون اولین کسی بود که به طور واضح با فناوری تشخیص DNA تبرئه شده است. آن پرونده ابتدای یک انقلاب در نظام عدالت کیفری آمریکا بود (Gross et al 2004, 523).

از آوریل ۲۰۰۸، دویست و شانزده متهم پس از این که با مدرک جدید DNA اثبات شد آن ها مرتکب جرم نشده اند آزاد شدند (Del Carmen, 2013, 324) و ظرف سی و پنج سال منتهی به سال ۲۰۰۸، آمار تبرئه شدگان بعد از محکومیت قطعی بین ششصد تا هفتصد نفر برآورد شده است (یوسفیان شوره دلی و رسولی آستانی، ۲۵۲، ۱۳۹۲). شایان ذکر است که هرچند دانستن تعداد واقعی پرونده های محکومیت نادرست غیرممکن است اما برآوردها اشاره می کنند که یک تا پنج درصد همه

۱۰- ایران در سال ۱۳۵۴ به میثاق ملحق گردیده است و طبق ماده ۹ قانون مدنی، میثاق در حکم قانون است. اشاره نگارندگان به بند ۶ ماده ۱۴ میثاق صرفاً در راستای یادآوری یک حکم لازم الاجراء می باشد و قصد بررسی توسط نگارندگان در این زمینه وجود ندارد. خوانندگان ارجمند این مقاله جهت مطالعه بیشتر می توانند به منابع مرتبط از جمله منبع ذیل از صفحه ۲۴۳ تا صفحه ۲۴۶ مراجعه نمایند: قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، ۱۳۹۵، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات شهردانش.

۱۱- ماده ۳۰: رسیدگی به دعوی جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعوی مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است.

(محکومین) جنایت‌ها محتمل است محکومیت نادرست باشند (Norris, 2017, 3). با توجه به فدرال بودن نظام سیاسی آمریکا، هر حوزه قضائی مقررات جبران خسارت خاص خود را دارا می‌باشد و در حال حاضر سی و دو ایالت^{۱۳} مقررات جبران خسارت برای بی گناهان پیش بینی نموده‌اند (McLellan, 2015, 367) اولین مقررات جبران خسارت برای محکومیت‌های نادرست در ۱۹۱۳ در ایالت ویسکانسین وضع شده است (Norris, 2012, 362). لازم به ذکر است شیوه‌های جبران خسارت از یک ایالت به ایالت دیگر متفاوت می‌باشد و الگوی یکسانی وجود ندارد (Norris, 2012, 371) به طوری که برخی از ایالات مقررات جامع و عادلانه وضع کرده‌اند در حالی که دیگر ایالات هیچ نوع حمایتی یا حمایت کمی به عمل آورده‌اند (Norris, 2012, 352).

با توجه به این‌که سیستم حقوقی ایران فاقد یک سازوکار تخصصی برای جبران خسارت بی گناهان می‌باشد ابهاماتی در خصوص جبران خسارت وجود دارد از جمله شرایط اقامه ی دعوا چیست؟ و موانع جبران خسارت چیست؟ با توجه به اهمیت پژوهش‌های تطبیقی در توسعه سیستم حقوقی یک کشور به ویژه در موضوع جبران خسارت بی گناهان که فقدان مقررات روشن، تخصصی و متناسب با شدت خطای قضائی می‌تواند به تضعیف بیشتر حقوق بی گناهان منجر شود و نظر به این‌که در موضوع جبران خسارت بی گناهان ادبیات حقوق ایران به اندازه لازم غنی نمی‌باشد نگارندگان پس از تعریف و تبیین دو مفهوم کلیدی این پژوهش به سوال‌های مذکور پاسخ خواهند داد و سپس به بررسی موضوع در حقوق آمریکا اشاره می‌کنند.

۱- مفاهیم

۱-۱- بی گناهی

بی گناهی به عنوان «فقدان گناه» و «عاری از گناه برای یک جرم خاص» تعریف گردیده است (Oxley, 2011, 425). در بیشتر نظام‌های کیفری متهمین در پناه فرض بی گناهی قرار دارند و تا صدور حکم قطعی بی گناه فرض می‌شوند. اصل سی و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه مقرر می‌دارد: «اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» قانون اساسی ایالات متحده آمریکا فرض بی گناهی را به صراحت ذکر نکرده است ولی با توجه به این‌که در قسمتی از اصلاحیه پنجم مقرر گردیده: ... هیچ

۱۳- در زمان تدوین این مقاله (۱۳۹۷) ایالت کانزاس نیز به جمع ایالات دارای مقررات جبران خسارت پیوست و در حال حاضر با در نظر گرفتن مقررات دولت فدرال و... سی و شش حوزه قضائی دارای مقررات جبران خسارت بی گناهان می‌باشند.

کس از ... زندگی، آزادی، یا دارائی بدون رعایت آئین قانونی محروم نمی شود ...^{۱۴} دیوان عالی کشور در پرونده «بل» علیه «ولفیش»^{۱۵} بر رعایت فرض بی گناهی تاکید نموده است (McLellan, 2015, 358). درخصوص جایگاه فرض بی گناهی می توان گفت صرفنظر از تصریح قوانین اساسی یا قوانین عادی حداقل از لحاظ نظری مخالفتی با آن وجود ندارد. اما فرض بی گناهی صرفاً یک فرض حقوقی می باشد و در این جا باید سوال شود منظور از بی گناهی در سطور فعلی چیست؟

بیشتر متهمان در فرآیند دادرسی ادعای بی گناهی می کنند تا از مجازات فرار نمایند ولی «بی گناهی واقعی فقدان وقایع مورد نیاز برای محکومیت تحت یک قانون کیفری است» (Uslegal, Inc, actual-innocence, 2019, 17). برای مثال در اتهام قتل عمد رفتار مادی یعنی کشتن توسط متهم روی نداده است پس به متهمی که رفتار مجرمانه را در عالم خارج انجام داده است ولی در فرآیند دادرسی برخی از حقوق وی تضییع شده است به طور مثال حق سکوت وی نقض شده و یا قتلی که در عالم خارج به نحو شبه عمد وقوع یافته با اشتباه قاضی قتل عمد تفسیر گردد «بی گناه حقوقی» گفته می شود و در تعریف آن گفته شده: بی گناهی حقوقی به فقدان یک یا بیشتر قواعد حقوقی یا شکلی که متهم را در مجازات اعطائی حمایت می کنند اشاره دارد.

۱-۲- محکومیت نادرست^{۱۶}

زمان از پژوهشگران برجسته حوزه محکومیت های نادرست ضمن اشاره به این که اصطلاح محکومیت نادرست ذاتاً مبهم می باشد درباره شمول این اصطلاح گفته است: ... اشاره می کند به محکومیت هائی که از لحاظ شکلی دارای نقص هستند یا محکومیت افرادی که واقعا بی گناهند (به معنای حقیقتاً بی گناه) یا به دلیل این که شخص دیگری مرتکب جرم شده است یا به دلیل این که هیچ جرمی وقوع نیافته است (Zalman, 2016, 450). همچنین این نویسنده از اصطلاح دیگری به نام «محکومیت باطل»^{۱۷} نام می برد که ضمن اشاره به این که این اصطلاح رایج نشده در تعریف آن بیان می کند: محکومیت کیفری یک شخص حقیقتاً بی گناه از ارتکاب جرم توسط دادگاه که یا جرم توسط دیگری روی داده یا جرم هرگز روی نداده است (Zalman, 2016, 456).

14- ... any person ... nor be deprived of life, liberty, or property, without due process of law...

15- Bell v. Wolfish.

16- Wrongful conviction.

17- False conviction

اشاره زلمان در خصوص محکومیت نادرست دو قسم را شامل می شود: الف- محکومیت های از لحاظ شکلی دارای نقص و ب- محکومیت های دارای نقص در شرایط احراز مجرمیت. به طور مثال محکومیت هائی که با نقض حقوق متهم یا نقض قواعد دادرسی از قبیل صلاحیت دادگاه، عدم رعایت شرایط رد دادرس حاصل شده اند شامل یک قسم از محکومیت های نادرست (نقص شکلی) می باشند و محکومیت هائی که با اشتباه در احراز و انتساب رکن مادی به متهم حاصل شده اند که بی گناه واقعی یا حقیقی نیز نامیده می شوند قسمی دیگر از محکومیت های نادرست از نگاه ماروین زلمان می باشند که موضوع پژوهش نگارندگان نیز جبران خسارت دسته اخیر است. پژوهشگر دیگری محکومیت نادرست را چنین تعریف کرده است: محکومیت نادرست شامل افرادی است که در خصوص اتهامات جنائی اعتراف به ارتکاب جرم کرده اند یا مورد محاکمه قرار گرفته اند و مجرم شناخته شده اند و به رغم اقرار یا حکم در واقع بی گناهند (Ramsey, 2003, 7-8).

۲- جبران خسارت محکومان بی گناه در حقوق ایران

دعوی جبران خسارت محکوم بی گناه که به استناد اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات اقامه می گردد منوط به رعایت شرایط ماهوی و شکلی به شرح ذیل می باشد.

۳- شرایط ماهوی دعوی جبران خسارت

۳-۱- اثبات تقصیر یا اشتباه قاضی

با توجه به ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ خواهان باید نسبت به اثبات تقصیر یا اشتباه قاضی جهت دریافت خسارت اقدام نماید. نکته مهم در این خصوص آن است که در موضوع محکومیت بی گناهان تحمیل تکلیف اثبات تقصیر یا اشتباه قاضی بر کسی که بی گناه درگیر فرآیند کیفری شده است و ممکن است سال هائی از عمر خود را در زندان سپری نموده باشد و احتمالاً تمکن مالی و یا حتی توانائی فیزیکی و روحی لازم را ندارد عادلانه نمی باشد، چرا که دلیل منطقی وجود ندارد در چنین شرایطی پس از آن که نادرستی یک رای کیفری منجر به محکومیت بر دستگاه عدالت کیفری آشکار گردد شخص بی گناه مجدداً اثبات تقصیر یا اشتباه قاضی را عهده دار شود.

۳-۲- اثبات ضرر مادی یا معنوی

در اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده: «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی ... ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود، و در هر حال از متهم اعاده

حیثیت می گردد.» بر اساس یک تقسیم بندی که برای ضرر یا خسارت انجام گرفته است، آن را به دو قسم مادی و معنوی تقسیم نموده اند (ره پیک، ۱۳۸۸، ۴۸). به طور خلاصه می توان گفت: کاستن از دارائی شخص و پیشگیری از فزونی آن، به هر عنوان که باشد، اضرار به او است (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۲۴۲) و درباره زیان معنوی گفته شده است: «صدمه به منافع عاطفی و غیرمالی است: مانند احساس درد جسمی و رنج های روحی، از بین رفتن آبرو، حیثیت، آزادی و ایجاد شرمساری (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۲۴۴). با توجه به این که قانون اساسی نیز به هر دو قسم ضرر اشاره می نماید شکی وجود ندارد که قصد قانونگذار موسس جبران همه خسارات وارده بوده است و قانونگذار به اصل جبران کامل خسارت باور داشته است.

درباره آثار محکومیت نادرست گفته شده است: آسیب محکومیت نادرست با آسیب متحمل شده توسط کهنه سربازان جنگ، بازماندگان شکنجه، اردوگاه مراقبت از بازماندگان و مهاجران و پناه جویانی که به طور مشابه دستگیر شده اند و... قابل مقایسه است (Konvisser, 2012, 238) و هنگامی که شخصی (از جامعه) جدا می شود، مورد بازجوئی قرار می گیرد، به اشتباه محکوم می شود، زندانی می شود و آزاد می گردد، علائم سلامت روانی او به محض بازگشت شبیه بازماندگان شکنجه، اضطراب، افسردگی و اختلال استرس پس از سانحه^{۱۸} است (Konvisser, 2012, 239). بنابراین می توان گفت متقاضی جبران خسارت در خصوص وظیفه اثبات ضرر و زیان مادی و معنوی در مقایسه با اثبات تقصیر یا اشتباه قاضی راه آسان تری را در پیش رو دارد ولی با این حال علی الخصوص در حبس های طویل المدت ورود پاره ای از ضررها را باید مفروض دانست و شاید به همین دلیل باشد که در ایالات متحده آمریکا حداقل در دعاوی که مستند به قوانین خاصی اقامه می شوند چنین شرطی دیده نمی شود و بیشتر معیار مدت محکومیت مبنای محاسبه مقدار مبلغ استحقاقی خواهان می باشد.

پس از تصویب اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی و در راستای اجرای آن نیاز به تصویب مقررات لازم در خصوص مفهوم و مصادیق زیان معنوی، عدم النفع و امکان تقویم جبران خسارت معنوی به پول وجود داشت و با توجه به این که قانون خاصی در زمینه جبران خسارت محکومان بی گناه وجود ندارد تا تکلیف موارد مذکور را در خصوص بی گناهان محکوم روشن نماید، نگارندگان بر این باوراند همان طور که ماده ۲۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص جبران خسارت اشخاص بازداشت شده اشعار می نماید: «... می توانند با رعایت ماده

«۱۴»^{۱۹} این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند» درباره محکومان بی گناه نیز امکان استناد به ماده مذکور وجود دارد چرا که بدیهی است که با توجه به شرایط زندان و متفاوت بودن آن از بازداشتگاه و مدت دار بودن آن نسبت به بازداشت ضرر و زیانی که در اثر محکومیت حاصل می شود بیشتر از بازداشت است و دلیلی برای عدم امکان استناد به این ماده وجود ندارد.

۳-۳- اثبات رابطه سببیت

اثبات ورود ضرر به زیان دیده و همچنین ارتکاب تقصیر یا وقوع فعلی از طرف خواننده، یا کسانی که مسئولیت اعمال آنان با اوست، به تنهایی دعوی خسارت را توجیه نمی کند. باید احراز شود که بین دو عامل ضرر و فعل زیان بار رابطه سببیت وجود دارد: یعنی ضرر از آن فعل ناشی شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۴۳۵). پس خواهان در صورتی می تواند در دعوی جبران خسارت موفق باشد و خسارت ضرر و زیان خود را مطالبه نماید که ثابت کند ضرر و زیان وی که ناشی از مجازات می باشد منتسب به تقصیر و اشتباه قاضی می باشد و در صورتی که نتواند چنین رابطه ای را اثبات کند، حتی با وجود اثبات تقصیر یا اشتباه قاضی یا اثبات ضرر و زیان وارده نمی تواند به خسارت مورد نظر خود دست یابد.

۴- شرایط شکلی دعوی جبران خسارت

۴-۱- طرح دعوی اثبات تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات

تا پیش از تصویب قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ هیچ قانونی مبنی بر این که احراز اشتباه یا تقصیر قاضی بر عهده چه مرجعی می باشد (شاملو و مرادی، ۱۳۹۳، ۲۱۷) وجود نداشت. در حال حاضر ماده ۳۰ قانون مذکور مقرر می دارد: «رسیدگی به دعوی جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی ... منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است.» لازم به ذکر است با توجه به تشکیل این دادگاه در تهران می توان پیش بینی کرد که تعدادی از بی گناهان از اقامه دعوی صرف نظر می نمایند چرا که پس از سال ها گذراندن حبس و از دست دادن شغل و درآمد بعید نیست فرد بی گناه توانایی مالی و... جهت طی مسیر تهران و اقامه دعوی در این دادگاه که علی الاصول نیاز به ورود وکلای حرفه ای است را نداشته باشند و این موارد باعث انصراف آنان شود و به نظر می رسد این موضوع با اصل سی و چهارم قانون اساسی که اشعار می دارد: «... هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در

۱۹- ماده ۱۴: شاکی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.

دسترس داشته باشند...» مغایرت دارد چرا که مشقت زیاد در دسترسی به دادگاه به گونه ای که باعث انصراف تعدادی از دادخواهان گردد با عدم وجود چنین دادگاهی تفاوت چندانی ندارد. بنابراین شایسته بود مقنن چنین دادگاه هائی را حداقل در مراکز استان ها پیش بینی می کرد.

۴-۲- اقامه دعوی جبران خسارت در دادگاه عمومی حقوقی تهران

ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ مقرر نموده است: «رسیدگی به دعوی جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است...» در خصوص این شرط نکات ذیل قابل ذکر است: اول، همان طور که از ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ مشخص می باشد دعوی جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی مستلزم اقامه دو دعوی جداگانه می باشد، یکی در دادگاه عالی انتظامی قضات و دیگری دعوی جبران خسارت در دادگاه عمومی حقوقی تهران. دعوی در دادگاه عمومی منوط به اثبات قبلی تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات است، این موضوع هم از ماده ۳۰ قانون ذکر شده و هم از ماده «۲۴»^{۲۰} آئین نامه اجرائی قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۲ قابل استنباط است. پس امکان صدور قرار اناطه مانند سایر دعوی مستند به ماده «۱۹»^{۲۱} قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ وجود ندارد و خواهان باید با ضمیمه نمودن رای دادگاه عالی انتظامی قضات به دادخواست خود اقامه دعوی نماید.

دوم، با توجه به ماده ۳۰ قانون اخیرالذکر برخلاف سایر دعاوی مسئولیت مدنی، همه ارکان دعوی (تقصیر، فعل زیان بار و رابطه سببیت) توسط یک مرجع واحد مورد رسیدگی قرار نمی گیرد بنابراین در صورتی که پس از اقامه دعوا در نزد دادگاه عمومی حقوقی تهران، این دادگاه در بررسی خود به نتیجه برسد که تقصیر یا اشتباه قاضی در پرونده وجود ندارد نمی تواند به استنباط خود ترتیب اثر بدهد بلکه نظر دادگاه عالی انتظامی قضات برای دادگاه عمومی متبع می باشد. بدیهی است احراز سایر ارکان دعوا با دادگاه عمومی حقوقی تهران است.

۲۰- ماده ۲۴: هر شخص نسبت به اشتباه یا تقصیر قاضی منجر به خسارت ادعایی داشته باشد باید بدوا حسب مورد به دادرسی یا دادگاه عالی مراجعه نماید. در صورت احراز اشتباه یا تقصیر قاضی در دادگاه عالی مدعی می تواند برای جبران خسارت ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی به دادگاه عمومی تهران مراجعه و طرح دعوی نماید.

۲۱- ماده ۱۹: هرگاه رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است، رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیتدار متوقف می شود. در این مورد، خواهان مکلف است ظرف یک ماه در دادگاه صالح اقامه دعوا کند و رسید آن را به دفتر دادگاه رسیدگی کننده تسلیم نماید، در غیر این صورت قرار رد دعوا صادر می شود و خواهان می تواند پس از اثبات ادعا در دادگاه صالح مجددا اقامه دعوا نماید.

سوم، همان نقدی که در خصوص در دسترس نبودن دادگاه عالی انتظامی قضات به دلیل تشکیل این دادگاه در شهر تهران وارد می باشد درباره دادگاه عمومی حقوقی تهران نیز وارد است. چهارم، با توجه به این که ابعاد ضرر و زیان وارده به محکومان بی گناه گسترده می باشد پیش بینی دو مرجع با لزوم تسریع در جبران خسارت بی گناهان برای بازگشت سریع و آسان محکوم بی گناه به جامعه مغایرت جدی دارد.

۴-۳- اقامه دعوی به طرفیت وزارت دادگستری در فرض اشتباه قاضی

اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی در فرضی که تقصیر متوجه قاضی نباشد دولت را مسئول جبران خسارت می داند و در قوانین عادی از جمله ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ مشخص نگردیده است منظور از دولت چه دستگاهی می باشد؟ آیا منظور وزارت دادگستری می باشد؟ یا منظور اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی دولت در معنای اعم بوده و با توجه به این که قوه قضائیه قوه ای مستقل می باشد و خطای قضائی نیز در این قوه رخ داده است منظور از دولت، قوه قضائیه می باشد و این قوه خواننده دعوی می باشد. با توجه به این که تکلیف موضوع به صراحت در قوانین مشخص نشده است برخی از حقوقدانان بر این باورند که خواننده نمی تواند وزارت دادگستری باشد و دلایلی نیز ارائه داده اند از جمله استقلال قوه قضائیه از قوه مجریه، لوث شدن مسئولیت ها در صورتی که وزارت دادگستری خواننده قرار بگیرد چرا که هر دستگاهی باید پاسخگوی عمل خود باشد و در نتیجه معتقدند: «خواننده دعوی می بایست دادگستری محلی باشد که عمل قضائی منجر به زیان در قلمرو آن، صورت گرفته است...» (زرگوش، ۱۳۹۲، ۵۲۷-۵۲۵).

با تصویب تبصره ۲۲ الحاقی ماده ۳۴۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ موضوع روشن شد. منظور از دعوی موضوع ماده «۲۶۰»^{۲۳} کاملاً روشن می باشد و وزارت دادگستری عهده دار این وظیفه می باشد ولی در خصوص خسارت ناشی از ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ نیز با توجه به این که تفاوت ماهیتی بین این خسارت و خسارت ناشی از بازداشت وجود ندارد و حتی وزارت

۲۲- در دعوی مربوط به مطالبه خسارت موضوع ماده (۲۶۰) این قانون و ماده (۳۰) قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ و مواردی که دیه از بیت المال مطالبه می شود، دادگاه موظف است از دستگاه پرداخت کننده دیه یا خسارت به منظور دفاع از حقوق بیت المال برای جلسه رسیدگی دعوت نماید. دستگاه مذکور حق تجدیدنظرخواهی از رای را دارد.

۲۳- ماده ۲۶۰: به منظور پرداخت خسارت موضوع ماده (۲۵۵) این قانون، صندوقی در وزارت دادگستری تأسیس میشود که بودجه آن هر سال از محل بودجه کل کشور تأمین می گردد. این صندوق زیر نظر وزیر دادگستری اداره می شود و اجرای آراء صادره از کمیسیون بر عهده وی است.

دادگستری مواردی که دیه برعهده بیت المال می باشد را نیز عهده دار است می توان گفت، بدون شک منظور مقنن وزارت دادگستری بوده است و اگر منظوری جز این داشت، این موضوع را صریحا بیان می کرد. با این حال بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۵۹۱۴۶/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۴ ریاست قوه قضائیه به اختلافی که بین حقوقدانان وجود داشت پایان داد و مقرر نمود: «در اجرای تبصره الحاقی به ماده ۳۴۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی و با توجه به تبصره ۱۱ قانون بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور، در دعاوی مربوط به مطالبه خسارت موضوع ماده ۲۶۰ قانون و ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰، مراجع قضائی موظفند از وزارت دادگستری برای جلسه رسیدگی دعوت و رای صادره را به وزارت فوق ابلاغ نمایند.»

۵- موانع جبران خسارت محکومان بی گناه

با توجه به این که از یک طرف سازوکاری تخصصی برای جبران خسارت محکومان بی گناه در حقوق ایران پیش بینی نشده است و از طرف دیگر به طور بالقوه امکان جبران خسارت با توجه به اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی و ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ وجود دارد، بنابراین علاوه بر وجود شرایط ایجابی، شرایطی نیز باید وجود داشته باشد، این شرایط در بیشتر قوانین ایالات متحده آمریکا پیش بینی شده است. حقوق ایران مقررات ویژه ای در خصوص شرایط سلبی حق جبران خسارت محکومان بی گناه ندارد ولی با توجه به این که سازوکارهای جبران خسارت برای بازداشت ناموجه در حقوق ایران جامع تر می باشد و موانعی نیز برای جبران خسارت پیش بینی شده است به نظر می رسد می توان از وحدت ملاک ماده ۲۵۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که شرایط سلبی جبران خسارت بازداشت ناموجه را بیان می کند استفاده کرد، چرا که شرایط مذکور در این ماده که عمدتا مبتنی بر قاعده اقدام می باشند ویژگی خاصی ندارند که نتوان برای محکومان بی گناه از آن استفاده کرد.

۶- جبران خسارت محکومان بی گناه در حقوق آمریکا

۶-۱- سازوکارهای جبران خسارت

در نظام حقوقی آمریکا، سه نوع سازوکار مختلف برای وصول خسارت توسط محکومان بی گناه وجود دارد که عبارتند از لوایح خصوصی،^{۲۴} طرح دعوی در یک دادگاه مدنی^{۲۵} و قوانین جبران خسارت^{۲۶} (Kahn, 2010, 131) که ذیلا هر یک از آنان بررسی خواهد شد.

۱-۶-۱- لوایح خصوصی

از سازوکارهای جبران خسارت بی گناهان «درخواست لایحه خصوصی از قانونگذار ایالت است که می تواند به فرد پول تخصیص دهد.» (Kahn,2010,134). در ایالات متحده آمریکا، تمامی ایالات به جز نبراسکا که در سال ۱۹۳۷ روش یک مجلسی را در پیش گرفت (امجد، ۱۳۹۴، ۴۵) دارای دو مجلس می باشند و تصویب یک لایحه نیازمند موافقت هر دو مجلس می باشد. البته موارد پرداخت خسارت به این شیوه خیلی کم می باشد به طوری که فقط نه درصد از دویست و چهل نفری که به وسیله آزمایش DNA تبرئه شده اند توانسته اند به جبران خسارت به این شیوه دست یابند (Innocence project,2009,13) و یا در سی و پنج سال منتهی به وضع قانون جبران خسارت نیویورک، فقط پنج لایحه خصوصی در مجلس این ایالت وضع شده است (Kahn,2010,134). اصولاً اگر قانون اساسی ایالت اجازه درخواست لایحه خصوصی را بدهد،^{۲۷} لوایح قانونگذاری خصوصی برای جبران خسارت اشخاصی که ناعادلانه محکوم شده اند نیازمند قدرت سیاسی و صبر می باشند (Gutman,2017,372). برای مثال، در یک مورد در فلوریدا، «فردی لی»^{۲۸} و «ویلبرت لی»^{۲۹} بیست سال برای متقاعد کردن قانونگذار جهت تصویب لایحه صبر کردند به همین خاطر برخی از نویسندگان گفته اند: «تبرئه شده ای که تمایل به دادخواست دادن (به مرجع قضائی) دارد فقط به یک وکیل نیاز دارد اما تبرئه شده ای که وضع یک لایحه خصوصی را پیگیری می کند به یک لابی گر^{۳۰} و یک مدیر تبلیغ^{۳۱} نیاز دارد» (Mandery and others,2013,558).

۱-۶-۲- دادخواهی مدنی

تبرئه شده ها ممکن است دولت فدرال را تحت فصل ۲۱ از عنوان ۴۲ مجموعه قوانین ایالات متحده مصوب ۱۹۸۳^{۳۲} تعقیب کنند یا ممکن است دولت های ایالات را از طریق دعاوی شبه جرم کامن لا برای تعقیب با سوء نیت و زندان ناحق تعقیب نمایند (Mandery and others,2013,556). فصل ۲۱ از عنوان ۴۲ با نام دعاوی مدنی در خصوص محرومیت از حقوق از مجموعه قوانین ایالات متحده مصوب

25- Litigations.

26- Compensation Statutes.

۲۷- برای مثال قانون اساسی نیوجرسی چنین امکانی را نمی دهد.

28- Freddie Lee.

29- Wilbert Lee.

30- Lobbyist.

31- Campaign Manager.

32- U.S code, title 42, chapter 21, subchapter I, 1983, civil action for deprivation of rights.

۱۹۸۳، به موضوع تحت کنترل در آوردن شهروندان ایالات متحده و محرومیت آنان از حقوق و مزایا یا مصونیت هائی که به موجب قانون اساسی و سایر قوانین به آن ها اعطاء شده است می پردازد و برای شخص آسیب دیده حق جبران قائل می گردد. شرایط سخت اقامه دعوی طبق این نوع سازوکار از جمله اثبات رفتار خلاف قانون و تعدی کارگزاران دولت در محکومیت نادرست یا عمل قضات در خارج از صلاحیت رسمی آنان باعث شده است « فقط بیست و هشت درصد از تبرئه شده های به وسیله DNA» (Innocence project, 2009, 4) توانسته اند از طریق سازوکار دادخواهی مدنی موفق به وصول جبران خسارت شوند.

۳-۶-۱- قوانین جبران خسارت

مشکلاتی که سازوکارهای لایحه خصوصی و دادخواهی مدنی داشتند باعث شد تا پژوهشگران تصویب قوانین خاص را پیشنهاد دهند. قوانین جبران خسارت، بدون اعتنای به تقصیر یا سرزنش، پول و خدمات برای افراد تبرئه شده تدارک می بینند. به طور کلی، خواهان، فقط نیاز به احراز بی گناهی اش و اثبات این که مدتی را در نتیجه محکومیت نادرست در زندان گذرانده است دارد (Bernhard, 2009, 409). پیکار برای وضع قوانین جبران خسارت در سال ۱۹۳۲ وقتی «ادوین بورچارد» کتاب «محکومیت بی گناهان»، مجموعه ای از شصت و پنج داستان افرادی که بورچارد معتقد بود کاملاً بی گناه می باشند را منتشر کرد شروع شد (Bernhard, 2009, 409). البته قبل از انتشار این کتاب، ایالت ویسکانسین، اولین ایالتی بود که در آمریکا قانون جبران خسارت برای بی گناهان وضع کرده بود ولی انتشار این کتاب، باعث توجه بیشتر به موضوع و تسریع در تصویب قوانین جبران خسارت شد.

با توجه به این که انتخاب این سازوکار برای وصول به جبران خسارت نیازی به احراز سوء رفتار مقام دولتی ندارد و جبران خسارت سریع تر از فرآیند طرح دعوای مدنی صورت می گیرد، برخی از نویسندگان از این نوع سازوکار با عنوان «استاندارد طلایی»^{۳۳} (Encarnacion, 2016, 139-140) یاد کرده اند و یکی از پژوهشگران برجسته این حوزه معتقد است: «قوانین جبران خسارت مشابه نظام های جبران خسارت کارگران عمل می کنند. نظام های جبران خسارت کارگران، در طول انقلاب صنعتی، همان طور که جامعه تشخیص داد که کارگران به نحو اجتناب ناپذیری در کار آسیب می بینند ایجاد شدند. نظام های جبران خسارت کارگران بدون توجه به تقصیر، به کارگران آسیب دیده هزینه می پردازند. اهمیتی ندارد که ماشین درست کار نکرده است یا این که کارگر سر کار خوابش برده است، خسارت طبق شدت آسیب و زمان از دست رفته مشروط به این که آسیب سر کار رخ داده باشد جبران

می شود» (Bernhard,2009,410). این قوانین در ایالات متحده به رغم شباهت ها، تفاوت های جدی نیز به خصوص در میزان مساعدت مالی با یکدیگر دارند.

۲-۶- شرایط ایجابی و سلبی جبران خسارت

احراز بی گناهی به معنای جبران خسارت فرد نمی باشد بلکه احراز شرایط ایجابی و سلبی نیز لازم می باشد در بیشتر ایالات آمریکا وجود شرایط ذیل ضروری است:

- محکوم شدن به جنایت: تقریباً نیمی از ایالاتی که دارای قوانین جبران خسارت می باشند، فقط خواهانی را مجاز به دریافت جبران خسارت می دانند که به جنایت محکوم شده باشد (Kahn,2010,137). به طور مثال بند (a) (۱) قسمت ۱۰۲-۶۵-۱۳ از عنوان ۱۳ قانون دادگاه ها و آئین دادرسی دادگاه ایالت کلرادو^{۳۴} اشعار می دارد: «شخصی که محکوم به جنایت در این ایالت شده باشد»^{۳۵}، سه ایالت نیز به محکومیت جنحه یا جنایت اشاره کرده اند و مابقی نیز هر نوع محکومیتی را صرفنظر از ماهیت جرم مشمول حق جبران می دانند. نظر به این که صرف محرومیت از آزادی باعث از دست رفتن فرصت های اجتماعی زیادی برای محکوم علیه می گردد چنین تمایزی بین محکومیت های نادرست غیرمنطقی می باشد. البته حبس های ناشی از جنایت طولانی تر از جنحه می باشند ولی این امر نمی تواند دلیلی منطقی برای عدم جبران باشد و بعید نیست که یک مجازات کوتاه مدت باعث ضرر زیادی برای فرد گردد.

- قسمتی از مجازات را گذرانده باشد: صرف محکومیت کیفری باعث استحقاق خواهان برای جبران خسارت نمی شود بلکه لازم است خواهان قسمتی از مجازات تعیین شده یا همه آن را گذرانده باشد. این شرط در بیشتر قوانین ایالات دیده می شود، برخی از قوانین صرفاً اشاره کرده اند که باید قسمتی از مجازات را گذرانده باشد بدون این که صریحاً مدت خاصی را ذکر کرده باشند مانند قانون جبران خسارت زندان نادرست ایالت میشیگان^{۳۶} که مقرر می دارد: «خواهان به یک جرم یا بیشتر طبق قانون این ایالت محکوم شده باشد، برای جرم یا جرایمی در مرکز تادیبی ایالت متحمل حبس شده باشد و حداقل قسمتی از مجازات را گذرانده باشد»^{۳۷}. البته با توجه به بند (a) از قسمت (۲) جزء ۳ قانون

34 -Colorado Revised Statutes, title 13, Courts and Court Procedure 13-65-101.

35- (1) ... , A person who has been convicted of a felony in this state ...

36- Michigan compiled Law, Chapter 691, Judiciary, Act 343 of 2016, Wrongful Imprisonment Compensation Act (691.1751-691.1757).

37- (a) The plaintiff was convicted of 1 or more crimes under the law of this state, was sentenced to a term of imprisonment in a state correctional facility for the crime or crimes, and served at least part of the sentence.

مذکور که اشعار می‌نماید: «برای حبس کمتر از یک سال در زندان، مبلغ به ۱/۳۶۵ ام پنجاه هزار دلار برای هر روزی که شاکی در زندان بوده است تقسیم می‌گردد.»^{۳۸} می‌توان گفت منظور از قسمتی از مجازات «یک روز زندان» نیز می‌باشد. برخی از قوانین مانند قانون ایالت ورمونت^{۳۹} نیز حداقل مدت لازم را شش ماه و قانون ایالت ماساچوست^{۴۰} یک سال را ذکر نموده‌اند.

- آزادی بی‌گناه به دلایل عفو توسط فرماندار، تبریته به وسیله DNA، آزادی به دلایل بی‌گناهی یا مرتبط با بی‌گناهی، نقض یا لغو محکومیت: عمده‌ترین الزام صلاحیت خواهان برای پیگیری دعوای جبران خسارت مبتنی است بر شرایطی که خواهان از زندان آزاد شده است (Kahn, 2010, 137). تعدادی از ایالات مانند مین، مریلند و تنسی صرفاً محکومی را واجد شرایط جبران خسارت می‌دانند که از فرماندار آن ایالت عفو دریافت کرده باشد و در غیر این صورت برای وی حق جبران قائل نیستند. به طور مثال بند (b) از قسمت ۲ مجموعه قوانین مریلند، تدارکات و امور مالی دولت از بخش ۱۰-۵۰۱ اشعار می‌دارد^{۴۱}: «فرد از فرماندار عفو تامی مبنی بر این که ثابت شده که قطعاً محکومیت فرد اشتباه می‌باشد دریافت کرده است.»^{۴۲} لزوم عفو، فرآیند را به چرخه سیاسی می‌اندازد. جبران خسارت خواهان به تمایل سیاسی قوه مجریه و سرمایه‌خزانه دولت بستگی می‌یابد (Bernhard, 2009, 411). گستره وسیع و متنوع وظایف فرمانداران در یک ایالت وقت چندانی را برای بررسی پرونده‌های محکومین بی‌گناه باقی نمی‌گذارد و بعید نیست حتی در صورت داشتن وقت لازم، ملاحظاتی از قبیل نگرانی جهت کسری بودجه و... فرماندار یک ایالت را از صدور عفو بی‌میل نماید. ایراد دیگری که به این الزام قانونی وارد است لزوم داشتن ارتباطات خاص سیاسی می‌باشد، یعنی همان ایرادی که بر لایحه خصوصی به عنوان یکی از سازوکارهای جبران خسارت وارد بود به شرط لزوم عفو توسط فرماندار نیز وارد می‌باشد.

تعدادی از ایالات مانند مینزوری و مونتانا صرفاً نقض حکمی که مبتنی بر آزمایش DNA می‌باشد را باعث تحقق حق جبران می‌دانند هر چند توجه به نتایج آزمایش مذکور باعث اطمینان از این که خواهان بی

38- For incarceration of less than a year in prison, this amount is prorated to 1/365 of \$50,000.00 for every day the plaintiff was incarcerated in prison.

39- The Vermont Statute, title 13: Crimes and Criminal Procedure, Chapter 182: Innocence Protection, Subchapter 002: Compensation for Wrongly Convictions.

40- Massachusetts, General Laws. Part III, title IV, Chapter 258d, Compensation For Certain Erroneous Felony Convictions.

41- Maryland Code, Finance and Procurement Section.

42- ... the individual has received from the governor a full pardon stating that the individual is conviction has been shown conclusively to be in error.

گناه واقعی است می‌گردد (Bernhard, 2009, 139). ولی پرونده‌های زیادی نیز وجود دارد که آثاری از جرم برجای نمانده است یا مدت زمان زیادی از جرم گذشته است و محتویات باقی مانده قابلیت انجام آزمایش DNA را دارا نمی‌باشند بنابراین مقید کردن و محدود نمودن تشخیص بی‌گناهی به آزمایش مذکور باعث خروج بی‌جهت بی‌گناهان زیادی از حق جبران خسارت می‌گردد.

تعدادی دیگر از ایالات مانند آلاباما و کالیفرنیا به لزوم این که خواهان به دلیل بی‌گناهی یا دلایل مرتبط با بی‌گناهی آزاد شده باشد اشاره می‌نمایند و تعداد دیگری از ایالات مانند آیووا، ماساچوست و دولت فدرال، آزادی در اثر نقض یا لغو محکومیت را کافی دانسته‌اند. این دو سازوکار نسبت به سازوکار لزوم عفو توسط فرماندار یا احراز بی‌گناهی توسط مدرک DNA منطقی‌تر می‌باشد و امکان جبران خسارت را برای بی‌گناهان بیشتر فراهم می‌نماید.

علاوه بر شروط ایجابی، از سی و شش حوزه قضائی که دارای قانون جبران خسارت هستند ۳۰/۵۵ از حوزه‌های قضائی آمریکا (یعنی یازده حوزه قضائی) فاقد شرط سلبی می‌باشند و ۶۹/۴۵ از حوزه‌های قضائی (یعنی بیست و پنج حوزه قضائی) دارای حداقل یک شرط سلبی می‌باشند. اصلی‌ترین شرایط سلبی عبارتند از:

- هم‌زمانی مجازات زندان نادرست با یک مجازات مقارن دیگر که ربطی به جرمی که خواهان برای آن تقاضای جبران خسارت کرده است ندارد: این شرط در قوانین کلرادو، هاوایی، کانزاس، ماساچوست، میشیگان، نگزاس و واشینگتن دیده می‌شود. بند (۱۱) از قسمت (۱) ۴۰،۱۰۰،۴۰ فصل ۴۰۱۰۰ از مجموعه قوانین اصلاحی واشینگتن^{۴۳} در این زمینه اشعار می‌دارد: «در طول مدت زندانی که خواهان درصدد جبران خسارت آن است، خواهان متحمل زندان یا مجازات مقارنی برای هیچ جرمی جزء جنایت یا جنایت هائی که اساس این ادعا است نشده است.»^{۴۴} در واقع عدم تحقق حق جبران خسارت به دلیل تحمل مجازات مقارن بر این فرض استوار است که آسیب‌ها و ضررهائی که خواهان مدعی وقوع آن می‌باشد دیگر مستند به محکومیت نادرست نمی‌باشد، چنین شرطی در خصوص بازداشت ناموجه در بند «ت»^{۴۵} ماده ۲۵۶ قانون آئین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲ دیده می‌شود.

43-Revised Code of Washington, Title 4, Chapter 4..100 Wrongly Convicted Persons.

44- (ii) During the period of confinement for which the claimant is seeking compensation, the claimant was not serving a term of imprisonment or a concurrent sentence for any crime, other than the felony or felonies that are the basis for the claim.

۴۵- ماده ۲۵۶: در موارد زیر شخص بازداشت شده مستحق جبران خسارت نیست: ت- همزمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد.

شود.^{۴۶} قابل ذکر است در صورتی که مدت مجازات درست پایان یابد و خواهان به دلیل محکومیت دیگری که به نادرستی به آن محکوم شده است همچنان در زندان به سر برد باید نسبت به مدتی که پس از مجازات درست در زندان به سر برده است مشمول حق جبران قرار گیرد.

- ارتکاب جنایت جدید: این شرط در قوانین حوزه های قضائی آلاباما، تگزاس، یوتا و ویرجینیا دیده می شود. قانون ایالت آلاباما^{۴۷} در این خصوص مقرر می دارد: «شخصی که حکم جبران خسارت وی صادر شده و متعاقباً به یک جرم جنائی محکوم می گردد برای دریافت مبالغ پرداخت نشده از هر جبرانی که توسط این ماده اجازه داده شده است واجد صلاحیت نخواهد بود.»^{۴۸} با توجه به این که ارتباط منطقی بین محکومیت نادرست قبلی و ارتکاب جنایت جدید وجود ندارد این شرط غیر عادلانه می باشد، شاید علت ارتکاب جنایت جدید نیز محیط جرم زای زندان باشد که در اثر زندان نادرست بر فرد تحمیل گردیده است که این نیز مصداقی دیگر از ضرر وارده بر فرد بی گناه می باشد. برخلاف شرط ارتکاب جنایت جدید، قانونگذار ایالت فلوریدا^{۴۹} «شرط دستا پاک^{۵۰}» را برای تحقق حق جبران خسارت قائل شده است که در دیگر ایالات چنین شرطی به چشم نمی خورد. شرط مذکور کسانی را که سابقه محکومیت به یک جنایت را قبل از محکومیت نادرست داشته اند از حق جبران خسارت برای محکومیت نادرست محروم می کند.

- سببیت یا مشارکت خواهان در محکومیت خود: این شرط در قوانین نیمی از ایالات و دولت فدرال دیده می شود و باعث سخت تر شدن وصول به جبران نیز می گردد. در خصوص این شرط دو رویکرد در قوانین حوزه های قضائی دیده می شود. در تعدادی از ایالاتی که شرط مشارکت در خطا یا سببیت خواهان در محکومیت را پیش بینی کرده اند، موارد مشارکت در خطا به صورت مضیق احصاء شده است و شامل اقرار به جرم، شهادت کذب، ارائه مدرک جعلی یا بیان اظهار کذب که باعث سهیم شدن در محکومیت گردد می شود و در برخی از ایالات با ذکر واژه هائی که دارای قابلیت تفسیر گسترده هستند، هر نوع فعلی که سبب شود خواهان در محکومیت سهیم گردد را مشمول این شرط دانسته و فرد را از حق جبران محروم می کند (Kahn, 2010, 140). برای مثال در خصوص رویکرد اول، بند b از

۴۶- همزمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد.

47-Alabama Code, Title 29, Article 1, Section 29-2-150.

48- A person awarded compensation and subsequently convicted of a felony crime will not be eligible to receive any unpaid amounts from any compensation authorized by this article.

49- The 2018 Florida Statutes, The Xlvii Criminal Procedure and Corrections, Chapter 961, Victims Of Wrongful Incarceration compensation.

50- Clean Hands Provision.

قسمت ۲ از B.1 قانون اکلاهما^{۵۱} اشعار می دارد: «فرد اقرار به جرم اتهامی یا هر چیز کمتری که شامل جرم می شود نکرده باشد اما به جرم محکوم شده باشد.»^{۵۲} قابل ذکر است که ایالات کمی مانند نبراسکا و کالیفرنیا اقرارهای تحت اجبار یا اقرارهای غیرارادی را باعث سلب حق جبران خسارت ندانسته اند (Norris,2012,304) و قوانین دیگر اشاره ای به این موضوع نکرده اند. در گزارش سال ۲۰۰۹ طرح بی گناهی گفته شده است که تقریباً بیست و پنج درصد از تبرئه شده های از طریق DNA با بیان سخنانی در معرض اتهام قرار گرفته یا صریحاً اقرار کرده اند (Innocence project report,18)، این موارد می تواند ناشی از فشار بازجوئی، تلقین شرایط جرم به متهم و فریب متهم توسط پلیس رخ دهد. محققان اقرار را به سه نوع اقرار کذب ارادی^{۵۳}، اقرارهای کذب پیرو اجبار^{۵۴} و اقرارهای کذب ناشی از اجبار ذهنی^{۵۵} (Bernhard,2009,412) تقسیم کرده اند ولی در اکثر قوانین چنین تقسیم بندی وجود ندارد و حتی اقرار ناشی از فشار روانی پلیس را هم از مواردی دانسته شده است که مشارکت در محکومیت محسوب می گردد در صورتی که فقط اقرار نوع اول این تقسیم بندی باید مشارکت در محکومیت محسوب گردد.

در خصوص رویکرد دوم به طور مثال بند c از قسمت ۳ c.52.4c.3 فصل ۲۲۷ قانون ایالت نیوجرسی^{۵۶} مقرر می دارد: «او با رفتار خودش سبب یا موجب محکومیت نشده باشد.»^{۵۷} این شرط مبتنی بر قاعده اشتراک در خطا^{۵۸} در حقوق کامن لا می باشد که به موجب آن «زیان دیده ای که در اثر تقصیر خود در ایجاد ضرر دخالت داشته است نمی تواند از این باب مطالبه خسارت کند» (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۴۹۴). با توجه به این که هدف قوانین جبران خسارت تسهیل دسترسی بی گناهان به جبران خسارت می باشد پیش بینی چنین شرط هائی در قوانین که امکان تفسیر موسع آن ها وجود دارد برخلاف هدف اولیه وضع قوانین جبران خسارت می باشد.

51- 2014 Oklahoma Statutes, Title 51. Officers 851.154.Extent Of Liability- Wrongful Criminal Felony Convictions Resulting In Imprisonment – Punitive Or Exemplary Damages-Joinder Of Parties- Several Liability.

52- The individual did not plead guilty to the offence charged, or to any lesser included offence, but was convicted of the offence.

53- Voluntary false confessions.

54- Coerced – compliant false confessions.

55- Coerced internalized false confessions.

56-New Jersey Revised Statutes, Title 52, Chapter 227 Compensation For Persons Mistakenly Imprisoned.

57- He did not by his own conduct cause or bring about his conviction.

58- Contributing negligence.

۳-۶- جبران مالی خسارت وارده (پرداخت پول)

در بیشتر قوانین جبران خسارت ایالات متحده امکان صدور حکم جبران مالی و پرداخت مقداری پول پیش بینی شده است به جز ایالت مونتانا که هیچ نوع مبلغی را پیش بینی نکرده است (Norris, 2014, 6). ایالاتی که فقط جبران مالی را پیش بینی کرده اند شامل: کالیفرنیا، کنتیکت، منطقه کلمبیا، آیووا، مین، مینه سوتا، می سی سی پی، میزوری، نبراسکا، نیوهامپشایر، نیویورک، اهایو، اکلاهما، تنسی، یوتا، ویرجینیا، واشینگتن، ویرجینیای غربی و ویسکانسین می باشند (Trivelli, 2015, 260).

قانون دولت فدرال^{۵۹} پنجاه هزار دلار برای هر سالی که شخص در زندان به سر برده است و یکصد هزار دلار نیز برای هر سالی که شخص در صف اعدام قرار داشته است پیش بینی کرده است. نکته ای که در خصوص پیش بینی مبلغ بالاتر برای کسانی که منتظر اجرای حکم اعدام قرار دارند درخور تامل می باشد این است که افراد محکوم به اعدام استرس و اضطراب بیشتری نسبت به سایر زندانیان دارند و بنابراین منطقی است که قانونگذار جبران خسارت بیشتری را پیش بینی نماید ولی با وجود آن که «از ۱۹۷۳ تا ۲۰۱۸، یکصد و شصت و چهار نفر محکوم به اعدام در آمریکا بی گناهی آنان ثابت شده است» به جز دولت فدرال صرفاً چهار حوزه قضائی کلرادو، منطقه کلمبیا، تگزاس و واشینگتن چنین جبرانی را پیش بینی کرده اند.

حوزه های قضائی برای پیش بینی مبلغ از چند ضابطه استفاده کرده اند. تعدادی از ایالات جبران مالی را مبتنی بر مدت زمان تحمل حبس پیش بینی کرده اند، اما مبالغ پیش بینی شده بیش از حد متغیرند، در حد بالای این طیف تگزاس می باشد که هشتاد هزار دلار برای هر سال بدون محدودیت حداکثری پیش بینی نموده است و از طرف دیگر ویسکانسین قرار دارد که فقط پنج هزار دلار برای هر سال محکومیت نادرست با محدودیت حداکثر بیست و پنج هزار دلار پیش بینی کرده است (Norris, 2014, 6).

تعداد دیگری از ایالات پرداخت یکجا را برای کل زندان نادرست پیش بینی کرده اند، با این حال مبالغ خیلی متفاوتند. برای مثال ایالت ایلینوی، هشتادوپنج هزار دلار برای زندان تا پنج سال، یکصدوهفتاد هزار دلار برای زندان بین پنج تا چهارده سال و تا دویست هزار دلار برای زندان بیش از چهارده سال پیش بینی کرده است، از طرف دیگر ایالت نیوهامپشایر حداکثر بیست هزار دلار برابر کل زندان نادرست بدون توجه به مدت حبس نادرست پیش بینی کرده است، تعدادی دیگر از ایالات مانند نیویورک، به جای تعیین مبلغ معینی برای جبران خسارت، تصمیم را در این خصوص به یک

قاضی یا کمیته محول کرده اند. از طرفی چنین سیاستی ممکن است به احکام مالی بیش از مبالغ میانگین یا توصیه شده منجر شود. از طرف دیگر، احکام مالی ممکن است خیلی کمتر باشند و مهم تر این که چنین بلا تکلیفی به وضعیت آشفته ای که تبرئه شده ها از قبل، هنگام آزادی با آن مواجه بودند اضافه می گردد (Norris, 2014, 7).

نکته ای که در خصوص مبالغ پیش بینی شده در قوانین جبران خسارت قابل ذکر است پایین بودن مبلغ نسبت به درآمد سرانه یک فرد آمریکائی می باشد. با توجه به این که درآمد سرانه یک فرد آمریکایی چهل و نه هزار دلار می باشد (مولانا، ۱۳۹۰، ۱۵۴) حتی اگر همه ایالات مقدار پنجاه هزار دلار برای هر سال زندان نادرست تعیین می کردند، با توجه به درآمد سرانه این مبلغ نمی تواند جبران متناسبی محسوب شود پس قوانین جبران خسارت باید مبالغی بالاتر از حد درآمد سرانه پیش بینی نمایند، این مهم در قوانین تعداد اندکی از ایالات مانند تگزاس، کالیفرنیا، کلرادو که مبلغ بالاتر از پنجاه هزار دلار در نظر گرفته اند مشاهده می شود.

۶-۴- مساعدت های غیرمالی

دغدغه های پس از آزادی تبرئه شده منحصر به گرفتاری های مالی نیست (Norris, 2012, 355). در آمریکا بیشتر تبرئه شده ها ادعا می کنند که اشتغال نیاز جدی آن ها برای ورود مجدد به جامعه است. پیشرفت سریع فناوری بی گناهان را از لحاظ مهارتی ناکارآمد ساخته است به طوری که ممکن است نتوانند از برخی از ابزارها مانند یک تلفن همراه استفاده کنند. بنابراین لازم است نظام جبران خسارت جامعی برای رفع این دغدغه ها وجود داشته باشد به همین خاطر در بیش از نیمی از حوزه های قضائی آمریکا حداقل یک مساعدت غیرمالی پیش بینی شده است. اصلی ترین مساعدت غیرمالی که قوانین جبران خسارت پیش بینی کرده اند، امکان تحصیل و آموزش می باشد. به طور مثال ایالت کلرادو معافیت از شهریه تحصیلی برای فرد تبرئه شده جهت تحصیل در موسسات آموزش عالی دولتی را پیش بینی کرده و ایالت ایلینوی^۶ مساعدت در خدمات کاریابی را مدنظر قرار داده است. البته بیشتر این قوانین نیز حمایت کافی از بی گناه به عمل نیاورده اند. به طور مثال ایالت فلوریدا صرفاً یکصدویست ساعت شهریه برای آموزش در مرکز شغلی و حرفه ای را تقبل می نماید در صورتی که در حبس های طولانی مدت شخص ممکن است فرصت تحصیل در یک دانشگاه معتبر را از دست داده باشد. خدمات درمانی نیز در تعداد اندکی از قوانین ایالات پیش بینی شده است. برای مثال قانون ایالت ورمونت

استحقاق خواهان را برای ده سال دریافت خدمات سلامت ایالت ورمونت مورد حکم قرار داده است و ایالت مینه سوتا^{۶۱} نیز پرداخت هزینه های پزشکی و دندان پزشکی را مورد توجه قرار داده است.

نتیجه

به رغم تصریح اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به لزوم جبران خسارت ناشی از اشتباهات قضائی، سیستم حقوقی ایران عملاً فاقد یک سازوکار تخصصی درباره جبران خسارت بی گناهان می باشد و حتی تا تصویب قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ مرجع صالح جهت رسیدگی به دعوی نیز مشخص نبود. در حال حاضر جبران خسارت ناشی از محکومیت نادرست یکی از مصادیق ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ می باشد که با توجه به ماده مذکور شخص بی گناه باید ابتدا تقصیر یا اشتباه قاضی را در دادگاه عالی انتظامی قضات احراز و سپس دعوی جبران خسارت را مستنبط از تبصره الحاقی به ماده ۳۴۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در فرض اشتباه قاضی به طرفیت وزارت دادگستری و در فرض تقصیر قاضی به طرفیت قاضی در دادگاه عمومی حقوقی تهران اقامه نماید که سازوکار مذکور عملاً باعث انصراف بی گناهان از اقامه دعوی می گردد. در فرآیند فعلی فرد ناکرده بزه نمی تواند پیش بینی لازم را از نتیجه اقامه دعوی بنماید و شایسته بود قانونگذار سازوکاری ویژه برای جبران خسارت ناشی از محکومیت نادرست پیش بینی می کرد. این در حالی است که در سی و شش حوزه قضائی آمریکا قوانین جبران خسارت برای بی گناهان وضع شده است. از ویژگی های مثبت قوانین جبران خسارت پیش بینی مبلغ قابل پرداخت برای هر سال یا هر روز زندان نادرست می باشد که باعث می شود فرد بی گناه بدانند در انتهای فرآیند به چه مبلغی دست می یابد. همچنین در برخی از قوانین جبران خسارت مساعدت های آموزشی، پزشکی و... برای فرد بی گناه پیش بینی شده است.

در خاتمه برای دستیابی حقوق ایران به سازوکار تخصصی جبران خسارت بی گناهان پیشنهادات ذیل ارائه می شود:

- لازم است ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۲ صریحاً تخصیص یابد یا اصلاح گردد. مقنن می تواند سازوکاری تخصصی برای جبران خسارت محکومان با الحاق موادی در ادامه ماده ۲۶۱ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ایجاد نماید و جبران اولیه خسارت آنان را خود دولت مانند موارد بازداشت ناموجه به عهده گیرد.

- لازم است در قوانین مساعدت هائی در ابعاد مختلف شغلی، آموزشی، روان شناختی، پزشکی، مسکن و... در نظر گرفته شود و بی گناهان پس از آزادی، در جامعه به حال خود رها نگردند.
- لازم است در اصلاحات قانونی تصریح گردد که در ارزیابی میزان خسارت وارده، قاضی یا قضات صرفاً به درآمد از دست داده بی گناهان توجه نکنند بلکه با جلب نظر کارشناسان به آسیب های جسمانی و روانی محکوم، آسیب های وارده در ابعاد مختلف (آموزشی، تربیتی، اجتماعی و...) به خانواده محکوم، فرصت های اجتماعی از دست رفته و... توجه نمایند و قاضی اختیار تعیین مبلغ عادلانه ای حتی بالاتر از نظر کارشناس را داشته باشد.
- در اصلاحات قانونی می توان مبلغ حداقل را تعیین کرد و حداکثر را بر عهده قاضی گذاشت. تعیین مبلغ حداقل در قانون باعث می شود که بی گناهان بدانند طرح دعوی آنان چه نتیجه حداقلی را خواهد داشت و با توجه به آن برنامه ریزی نمایند و دادن اختیار تعیین مبلغ حداکثر به قاضی امکان صدور حکم عادلانه را بیشتر فراهم می نماید.
- با توجه به شدت آسیب های وارده به بی گناهان لازم است در ساختار سازمان زندان ها «مرکز حمایت از بی گناهان» متشکل از روان شناسان، مددکاران اجتماعی و... به منظور مساعدت به بی گناهان و خانواده های آنان جهت بازگشت سریع آنان به جامعه را تاسیس کرد.

منابع

فارسی

- امجد، محمد، ۱۳۹۴، **سیاست و حکومت در ایالات متحده**، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات سمت.
- روت، میچل، ۱۳۹۴، **تاریخ عدالت کیفری**، ترجمه ساناز الستی، جلد نخست، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
- روان پور، نرگس، ۱۳۹۴، **گزیده تاریخ بیهقی**، چاپ نهم، تهران، انتشارات قطره.
- ره پیک، حسن، ۱۳۸۸، **حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها**، چاپ دوم، تهران، انتشارات خرسندی.
- زرگوش، مشتاق، ۱۳۹۲، **مسئولیت مدنی دولت و کارکنان آن (قواعد اختصاصی)**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- شاملو، باقر و مرادی، مجید، ۱۳۹۳، **خسارت زدایی از مظنونان، متهمان و محکومان بی گناه؛ جایگاه حقوقی**، فرآیند عملی، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۸۸.
- فرجیها، محمد و غلاملو، جمشید، ۱۳۹۳، **محکومیت بی گناهان از خطای قضایی تا بی گناهی واقعی**، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۸.

- فضائلی، مصطفی، ۱۳۹۴، **دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی**، چاپ سوم، تهران، انتشارات شهردانش.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۵، **الزام های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی**، جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- مولانا، حمید، ۱۳۹۰، **آمریکا شناسی: فراز و فرود یک امپراتوری**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- یوسفیان شوره دلی، بهنام و رسولی آستانی، لیلا، ۱۳۹۲، **نگرش تطبیقی به جبران خسارات وارد شده بر محکومان بی گناه؛ از نظر تا واقعیت، مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۸۲.

لاتین

- Bernhard, A., 2009, A Short Overview of the Statutory Remedies for the Wrongly Convicted: What Works, What Doesn't and Why, BU Pub. Int. LJ, 18.
- Brooks, J. and Simpson, A., 2012, Find the cost of freedom: The state of wrongful conviction compensation statutes across the country and the strange legal odyssey of Timothy Atkins, San Diego L. Rev., 49.
- Del Carmen, R.V., 2013, Criminal procedure: Law and practice, Cengage Learning.
- Encarnacion, E., 2016, Why and How to Compensation Exonerees, Mich. L. Rev. First Impressions, 114.
- Findley, k.A., 2010, Defining innocence, Alb.L.Rev., 74.
- Gross, S.R., Jacoby, K., Matheson, D.J. and Montgomery, N., 2004, Exonerations in the United States 1989 through 2003, J. Crim. I. & Criminology, 95.
- Gutman, J.S., 2017, An Empirical Reexamination of State Statutory Compensation for the Wrongly Convicted, Mo. L. Rev., 82.
- Innocence Project, 2009, Making up for lost time: What the wrongfully convicted endure and how to provide fair compensation.
- Konvisser, Z.D., 2011, Psychological consequences of wrongful conviction in women and the possibility of positive change. DePaul J. Soc. Just., 5.
- Kahn, D.S., 2010, Presumed guilty until proven innocent: The burden of proof in wrongful conviction claims under state compensation statutes. U. Mich. JL Reform, 44.
- Leo, R.A. and Gould, J.B., 2009, studying wrongful convictions : Learning from social science. Ohio st.J.Crim.L., 7.
- McLellan, M.F., 2015, Compensation for Wrongful Convictions and the Innocence Continuum.
- Mandery, E.J., Shlosberg, A., West, V. and Callaghan, B., 2013, Compensation statutes and post-exoneration offending. J. Crim. L. & Criminology, 103.

- Norris, R.J., 2017, Exonerated: A history of the innocence movement, NYU Press.
- Norris, R.J, 2012, Assessing compensation statutes for the wrongly convicted, Criminal Justice Policy Review, 23(3).
- Norris, R.J, 2014, Exoneree compensation: Current policies and future outlook, Wrongful conviction and criminal justice reform: Making justice.
- Oxley, A, 2011, Not Innocent Enough: The Denial of a Certificate of Innocence Based on Neglect in United States v. Graham, 608 F. 3D 164 (4th Cir. 2010). S. Ill. ULJ, 36.
- Ramsey, R.J, 2003, False positives in the criminal justice process-An analysis of factors associated with wrongful conviction of the innocent, (PhD dissertation, University of Cincinnati).
- Trivelli, A, 2015, Compensating the wrongfully convicted: a proposal to make victims of wrongful incarceration whole again, Rich. JL & Pub. Int., 19.
- Volokh, A, 1997, n Guilty Men, university of Pennsylvania law review, 146(1) 173.
- Zalman, M, 2016, Wrongful Convictions: Comparative Perspectives, Cambridge Handbook of Social Problems.

وبسایت ها

- www.intlwrongfulconvictionday.org
- <https://definitions.uslegal.com/a/actual-innocence/>
- <https://deathpenaltyinfo.org/innocence-and-death-penalty>

قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹
- قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰
- قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- آئین نامه اجرائی قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۲
- بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۵۹۱۴۶/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۴ ریاست قوه قضائیه

Legal Civilization

Biannual No.9/Fall 2021 & Winter 2022

ISSN:2783-1841
ISSN:2783-1922

- Review of Legal Solutions for Mining and Trading of Digital Currencies: Legal Gaps and Solutions*SHima Naderi, Majid Motallebi
- Analysis the Jurisprudential Principles of Torture and Delay at Implementation Preemption *Morteza Rahimi
- Achievements and Challenges of Multiplicity and Recidivism in the Law on Reducing the Punishment of Imprisonment Imposed in 2020 with a Practical Approach*Abolfath KHaleghi, Zahra Mirzaei
- Review of Technology Transfer Contract in Iranian Subject Law*Afshin Mojahed
- Explain the Principle of Information in the Light of the Previous Consent Procedure of the Rotterdam 2003 Convention*Mohammad Mobini Far, Marzieyh Fathi Bornaji
- The Position of Dispute Resolution Commissions in Lawsuits between the Islamic Revolutionary Guard Corps and Tehran Municipality*Mohammadreza Yazdi, Mojtaba Salek Razi
- the effects and conditions of retrial in Iranian and French lawani, Mohammad Reza Burbur
- Effects of Divorce on the Law of Iran, France and the United Kingdom *Maisam Sobhani
- Analysis of Child Rights in Iran: Review of the National Body Convention of Rights of Child Based on the Universal Convention of the Rights of the Child *Maryam SHA'ban
- The Relationship between Insult and Freedom of Expression in the Light of the Islamic Penal Code and the Press Law*Amirhossein GHazaei Alamdari
- Principles and Rules Governing Professional Ethics in the Legal Profession *Rostam Ali Akbari, Yasser SHakeri
- Religious Pluralism in the Islamic Penal Code*Mohsen Hamidipour
- Effects and Conditions of Absentee Proceedings in Iranian and French Law Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Mostafa Afzali Goroh
- Criminal Responsibility of Governments for Environmental Crime in the Light of Regional and International Cooperations*Sajad Tayebi
- Analysis of the performance of the International Court of Justice in the case of violation of the 1955 Amity Agreement between the Islamic Republic of Iran and the United States of America*Mohammad Setayesh Pur, Eisa Poodat
- Conceptual and Philosophical Challenges of Terrorism in Confrontation of Human Rights Nourooz Kargari
- Economic Analysis of the Externality of Property use by Comparative Study of Iranian Law Yadullah Dadgar, Akram Ehsani
- Functions and Challenges of Mediation in Iran (Looking at Some European Countries and International Documents)*Sayyed Abbas Mousavi
- Privacy in the Legal System of Iran and Islam*Ali Akbari, Mahdi Falahian
- Prisoners' Rights from the Perspective of Imami Jurisprudence and Iranian Law with a look at International Documents*Gholamreza Izadpanah, Vajehe Izadpanah
- Analysis of the Assassination of Iranian Nuclear Scientists from the Perspective of Domestic and International Law*Mohammad Khalil Salehi, Mohammad Salmani Farahmand
- Effects of Life Insurance Contract from the Perspective of Imami Jurisprudence and Iranian Law Sayyed Sajad Khalooei Tafti
- Protecting Agency Judges in an Age of Politicization: Evaluating Judicial Independence and Decisional Confidence in Administrative Adjudications*Reza Tajarlou, Mohammad Javad Shafaghi, Fatemeh Mafi
- the Rights of Victims and Offenders in the French Criminal Procedure Criticisms and Challenges Sadegh Fetili, Ebrahim Moghdam
- Review and Analysis of the Obligation to Observe Caution in Common Law Rezahosain Gandomkar, Farzad Karami kolmoti
- A Comparative Study of Crime Cost Assessment in Criminal Law and Shiite Jurisprudence Esmaeil Kashkoulain, Mahdi Naghavi
- An Introduction to the Theory of Legal Personality in Imami Jurisprudence*Sayyed Alireza Amin
- Examining the Pillars of Civil Liability of Municipalities in Judicial Procedure Sayyed Vahid Mirmezami, Faezeh Bahador
- Compensation for Innocent Convicts in the Law of Iran and America Ahmadreza Kenarkoohi, Salameh Abolhasani
- Research on the Importance of Offer in Iranian Civil Law and the UNIDROIT Principles Morteza Javan Sarand